

ایده استوار از نام این روش شروع به طرح و
متفکران، تکنولوژی، برابری فیزیک، تکنولوژی،
با قرار دادن متفکران یک مفرقیت، برابر فیزیک
مدرسه است. البته عادت بالا به چند صورت
می تواند خوانده شود نخست به روشی است
در باره این که آیا سیستمی استوار مفرقیت است
یا متفکران مفرقیت؟ این پرسش می تواند
حکم جانشینی استوار به متفکران یک یا صورت
همیشه می این دو صورت، آن را مطرح سازد.
می تواند منظور تاکید بر رابطه نهاد یا تلام
باشد و هر بار معنایی که مستعد خواهد شد
تفاوت خواهد کرد.

این که سیستم خود استوار است و نه صرفاً
محتوای آن است که می آفریند یک استوار
قرن بیستمی است. سخن تازه ای نیست و برای
درک آن نیازمند بحث و تفحص نیستیم. اما
سیما به مثابه متفکران یک عصر حاضر، می تواند
مفهوم متفکران یک در دوران حذف متفکران یک
از تجربه مدرنیته را فریب گیرد و بسا می تواند
به معنای شکلی از ظهور متفکران یک در عصر
حاضر، که از همه مضامین و اشکال، معاصر
و استوارهای متفکران یکی باشد. در این صورت
نسبت به سیما و فلسفه به بار و بار از آن
چیزی است که در وهله نخست به نظر می رسد
و یا هر کتابی هادی که درباره رابطه سیما و
فلسفه نگاشته شده به آن اشاره می شود.

کتابهایی که استواران، جستجوی
فلسفه در سیما یا در فلسفه به روایت فلسفه
است. عموماً از پرسش هستی شناختی سیما
و افق رویکرد فلسفی برای درک وجود سیما
و از تئوری هستی سیما بهره می فلسفی
روی برمی تابد و به سفر فلسفه به سوی
سیما و طرح پرسش های فلسفی در قلم ها
و از این دست مسائل معطوف می شوند.
حقاقتاً یکی از کمالات است که از محتوای
معین قلم ها برای ارائه مواضع فلسفی است
حاشیه است و بود هر بار از نظر دیگر به پرسش
از جهان رسانه و سیما و امر حقیقت و معجز
در تصاویر رسانهای پرداخته و همین طوری
امیر نوا کوه، ویز که اکامین، بارت، لیونارتو
هایمان، دلوز، مور کهایمر و پیش تر از آنان

هایدگر در این باره سخن گفته اند.

در نظر دانشمندان قرارند دوجانبه و دیالکتیکی
توسعه تکنولوژی مدرن و توسعه فلسفه مدرن،
به مثابه هم پیشرفت و هم پیشرفت سیما
اطلاع از مفهوم رابطه آن فرایند یا تولید سیما
برای ما ضروری است. برای همین اطلاعات
اولیه درباره روندی که کتاب «کشفیت کریشتر»
در باره فراتکنی شور آغاز کرد و اکتشافات و
اختراعات قرن هفدهم «میدعمی و تحولات»
علمی - تکنولوژییک ناشی از آن و همزمان
اکادمی هر چند مجهول درباره مفهوم تفکر و
فلسفه مدرن و مفرقیت و ساخت روش فکری
معاصر در این زمینه نیز با روشی به نظر می
رسند این همان اطلاعاتی است که ما را هم
به زمینه ذهنی و هم عینی تولید سیما و
می گرداند و سپس همچون پست و روش
نظر بهای متعدد قلم، نقش ایفای کند.

در وهله نخست، در این جا اصطلاح «مدرن»
برای تمایز با «هنر» به کار برده شده و در
همان حال به تمدنی معطوف است که جدید
و متمایز با تمدن های سابق است. مدرن بوده
آغاز گاه آن به چند قرن پیش یا دوران رنسانس
و پایان جنگ های صلیبی و کشیده می شود و
محل پیدایش آن اروپا و آمریکا (شمالی) بوده
است. قیود جدید وجود داشت، تنوع نگاه کردن
اندیشیدن و مطالعه طبیعت و تکنولوژی، یعنی
متکی بودن یک دوران به تکنولوژی، فراتر از
چیزی به عنوان ابزار تولید صنعتی و به
گسترش تولید صنعتی است. تکنولوژی قرن
این جستجوی از انکشاف حقیقت بشری و یک
دیدگاه غلبه یافته بر فلسفی و تمدنی است.
در زبان فارسی کلمه «مدرن» نیز از
برگزیده از مدرن است. تا به چند قرن پیش
که چون وجود ندارد تا طی آن روشی است
صفات مدرنیته را با مرکزیت تکنولوژی مورد
تاکید قرار داده و فرایندهای فکری مدرن را به
درستی معرفی کرده باشد. البته تا آن جا که
برای مطالعه تحولات فکر مدرن به مثابه نقطه
تولد سیما مفید باشد.

توسعه مدرنیته به آن محوریت تکنولوژی
علم و صنعت و سطح بالای رفاه اجتماعی و
زندگی و ضمناً به صورت همبسته با گرد آمدن

سکولاریته، دموکراسی لیبرال و انسان گرایی
و عقل گرایی است. ما را با افق روبرو می کند
که همان توجه یافتن به ذهن سیما است
در مدت همین جانب است که ماهم توجه
شکل گیری گام به گام اختراعات و اکتشافات
و ابزارهای مابین جدید می شویم که به
ابزارهای سیما و تولید قلم ختم می شوند
و هم می توانیم محاسبه فکری مناسبی را
تشخیص دهیم که با به سرایت عصر، درونی
و اندکای دقیق تر شناخت تکنولوژییک و متکی
بر ماشین و ابزارهای دقیق تر اندازه گیری و
ثبت و بالادین قدرت استعدیت ثبت است که
به اختراع تصویر سیما می منجر می گردد و
هم با به سرایت دوران، عطش تولید تصویر
مدرن تکنولوژییک را می توانیم ردیابی کنیم
و هم روندی را دنبال کنیم که این اختراع به
پرتره های شکل هنری خاص مدرنیته و همچون
عصاره و آنچه مدرنیته تحقق می پذیرد و
بالاخره می توانیم فرونی ترین سرشت آن را
مورد مطالعه قرار دهیم که همان ظهور سیما
همچون متفکران یک تکنولوژییک و متفکران یک
مدرنیته در غیاب این است.

بدهی است از راه خواست های متفکران یکی
انسان بر بیشتر لوئیس و سکولاریته، به وسیله
سیما در گز به معنای آن نیست که سیما فاقد
تول بازتاب مابعدالطبیعه و الهیات دینی است.
مادر باره امری سخن می گویم که زهدان واقعی
تولید سیما بوده است و مسلمانان وهله نخست
هرگز نیست و زندگی سنتی و ارزش های دینی و
یا شریعت و خواست های کلیسا و غیره نبود که
به زادن سیما منجر شده باشد.

البته تا به چند قرن پیش شی مدرنیته خود
محتوی جدی است. اما آنچه در بحث حاضر
مطرح است آن است که تصویر تمدنی مدرن و
مبتنی بر انسان و فردیت، عقلانیت آزادی و
و تجربه زندگی بشری و فلسفه آن بحران های
اوه همه در وجه عینی و فلسفی ذهنی با
پس زمینه وجود اجتماعی و نیز وجود فکری
غرب طی عصر روشنگری تا آغاز قرن بیستم
پیدا می گیتی دارد.

در این جانب است که ما می توانیم با هر مدرن
تحولات مهم بشری که سبب پیدایش مدرنیته
شده نقش آن را در حقیقت به چشمانی گیری
کنیم. آن تحولات منجر به نگاهی تازه به دنیا
و بروز توانایی های تازه در ثبت تصویر شی
گشت و اگر دور تر برویم همه دستاوردهای
فلسفی قرن پانزدهم به بعد
تجمع و انباشت ثروت در اروپا، انقلاب علمی
و فلسفی، اصلاح گری پروتستانی، رواج
جمهوری خواهی، رواج سرمایه داری و کاربرد
صنعت به شکل وسیع و پویایی کتب و کلام
طبقه متوسط و شیوه زندگی او، توسعه
شماره و زندگی، شجری و رواج پژوهش علمی
و تغییر ذهن و نگاه و فرار گرفتن عقل بشری
در کانون پرسش فلسفی جدید و عصر خود
و عصر روشنگری و مرجعیت عقل و همه
زمینه ای که ضروری تولد سیما شد
و واقع بدون «تاملاتی درباره فلسفه اولی»
به رسمیت شناختن شک درباره مطمئن ترین
چیزها و مورد پرسش قرار دادن آنها، سیما
مشکل می توانست پدیدار شود.

این مسأله معاصر بر انسان اهمیت ذهن
در شناخت عین و ارزش شناخت عینی است
که خود همه تیرهای ذهنی یک قرن و همه
ابزارهای تو را به طرف ثبت عینیت و تصویر
عینی راند که از زمان همان آغاز باید قدرت
بازمانی واقعیت یا قدرت ایجاد توجه بازتاب
واقعیت را که می گرد بدون چنین اهمیت
و اعتباری تصور توسعه دوربین های اولیه و
صنعت یافتن به ابزار ثبت «تصویر عینیت»
به صورت آن (عکاسی) و سپس تصویر

منجر، عینیت، امکان پذیرند. آنچه
آنچه که بعدها همچون غوغای سرمایه داری
در کشف اتمی ششدهمازده سرگرمی پدیدار
شد متکی بر همین فلسفه غریب بود تولید
واقعیت و بازمانی سیستمی است.

اما خود این تصور عینیت تصویر، در حالی
که سراسر مبتنی بر فیزیک است اثری
متفکران یکی نهفته در مدرنیته و برداشت مدرن
از واقعیت را به خودی خود می آید و اگر
بعدها تصویر لومی بر به تصویر ششدهمازده
و جنبه و سرگرمی که به فیلم های دلتا
بدل می شود و سیستمی جدا از شناخته مستند
به سمت دوم سرمایه داری امری که تولید
سود بدل می کرده تا در آن جهان مجازی به
صورت امر واقعی به نظر رسد. اینها تنها شکل
تکامل یافته گسترش قدرت متفکران یکی هنر
تکنولوژییک است که متکی است بر همان
ماهیت و قدرت سیما در تولید تصویر به مثابه
متفکران یک فرحالی که بر محور طرز واقعیت
مخسوب می گردد.

اما سیما به مثابه متفکران یک در حاشیه
سیما می آید. یعنی هر گونه قلم های لودی و
غیر های لودی از آنجا قابل تأمل است که حاضر
سالن تاریک را در صحنه تلویزیون یا جهانی
روبرو هستیم که اسباب آثار جتن موجودات
مادی نیست و انسان و حیوان در آن یک
شکل فاقد هستی، گوشت و خون بوده و نور
و سایههایی اند که چون عالم برزخ موجوداتی
تابع شکل و نه جسمند.

تمام سالهایی که اندیشه مدرن گریزان
از پذیرش هستی سرچشمه الهی جهان
می کشید دین را ادامه از نظره معرفی کند
و به اثبات برساند که تصاویر آن نه از جتن
واقعیت بلکه تخیل است. اکنون با تولد سیما
از یطن مدرنیته و همچون عصاره آن عیناً
تحقق می یافت هر فیلم یک متفکران یک بود که
فیزیکی و واقعی بنظر می رسد در حالی که جز
خیال و نور و سایه و شکل محض هیچ نبوده
نه آن است خصیصه ها و نه آن ماجراها. در زمان
و مکان بیرونی جاری نبودند همه را انسان به
صورت امر غیر عینی آفریده بود خود آفریده
و نقش آن را به ازای کرده بود همه امرها و
زندگی ها از ادواج ها و طلاق ها، قاجیمها و
فلسفه ها و شادی ها و حادثه ها و خیال معصوم
بود. حال، مدرنیته می توانست مدعی شود
خیال معصوم و متفکران یکی فلسفی هم شد. کل
ابتدایی همین رویداد تکنولوژییک است.

البته چیزی که می تواند در رابطه متفکران یک
تکنولوژییک تردید ایجاد کند آن است که آن
خیال های سیستمی و تصاویر برای تولد خود
بالاخره نیاز به یک سرمنشا واقعی انسان های
باز یکره دگرگونی است. خود به جهت آن بیرونی و
خیال های واقعی داشتند تا تصویرش را پدید
آورند.

هر چند به این زودیه عصر دیجیتال و
تکنولوژی مجازی - لری و جلوه های ویژه
می تواند ظاهر آسانخ دهد. اما این بار فلسفه
انسان، طبیعت و بازگرانی خوانمید داشت که
هرگز نبوده اند. اما آیا نمی توانیم به رسم خود
این فضای کاملاً ساختگی که حتی بازگرانی
واقعی تا حد آن تصویر را ایفا نکرده
و همه تصویر کامپیوتری است. اگر ذهن یک
انسان واقعی بیرون آمده باشد و خود ابزارهای
توانمند برای ایجاد این توهم یک سرچشمه
واقعی به عنوان سازنده آن دستگاههایی
پیشرفته و یک رهبری کننده و دارد یا نه؟
و آیا در این صورت، فرایند تصویر به حاشیه
هر چند مجازی تر و پیشرفته تر، باز هم بیشتر
مؤید بی اعتباری مذهب مدرنیته در کشف
راز گوهر وجود و نفی هستی شومر مند در
سرچشمه هستی نخواهد بود؟

